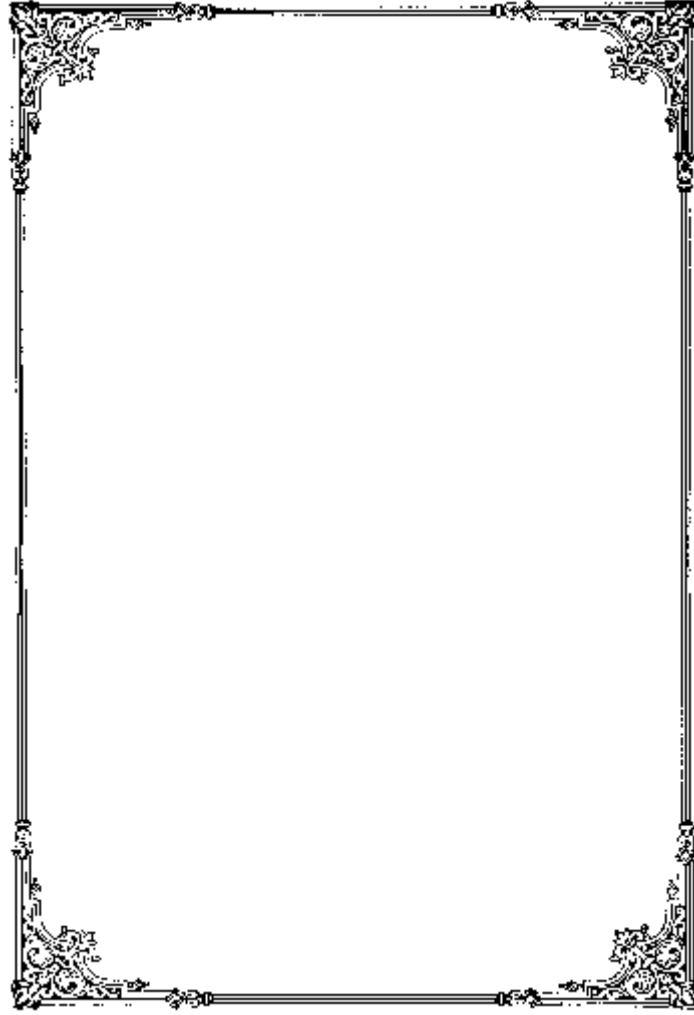


كاروان صالحين



كاروان صالحين

الكوثر للدراسات الإسلامية

شیخ ابراهیم انصاری بحرینی

عنوان و نام پدید آورنده: کاروان صالحین / انصاری بحرینی، ابراهیم.

:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

:

:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

کاروان صالحین

تهیه و تدوین: مؤسسه الکوثر للدراسات السلامية

: ابراهیم انصاری بحرینی

حروفچینی و صفحه آرایی: نوید نظری

چاپخانه:

:

شابک:

:

قیمت:

:

:

فهرست مطالب

صفحه

مقدمه

7	
12	1- صالحین در قرآن
13	2- برترین درخواست انبیاء :
13	یوسف 7
15	ابراهیم 7
17	اسماعیل و اسحاق 8
20	یحیی 7
21	زکریا، یحیی، عیسی و الیاس :
22	7
23	یونس 7
24	سلیمان 7
25	عیسی 7
27	3- حکومت صالحین
34	1- حکمت قصص قرآن
37	2- انبیاء: و مهدویت

ادامه فهرست مطالب

صفحه

- انبياء اولوالعزم: و مهدی عجل الله فرجه الشريف 41
- 3- شواهدی در تاریخ انبیاء : 43
- 7: عذاب فراگیر 44
- 7: گسترش گناه علنی 46
- ابراهیم 7: طلب مناسک حج از خدا 49
- سلیمان 7: طلب ملک 51
- 7: عمل بر اساس علم غیب 53
- یوسف 7: غیبت 56
- 7: اشاره مستقیم به بقیة الله 57
- 1- راه پیوست به کاروان صالحین از دیدگاه قران 62
- 2- سیر حرکت کاروان صالحین در ادعیه و خطب وارده از معصومین 69
- سیر مهدویت در دعای ندبه 69
- فصل چهارم
- 1- ارتباط کاروان حسینی با کاروان صالحین 76
- بعد ملکوتی کربلا 80
- ارتباط انبیاء، حسین و مهدی : 82

مقدمه

الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على ما أنعم و له الشكر على ما آلهم و الثناء بما قدم من عموم نعم ابتدئها و سبوغ آلاء أسداها و احسان من والها. و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.

در تاریخ بشریت، وقایع تلخ و جانگداز بسیاری به وقوع پیوست که قلب انسانها را متأثر ساخته و آهسته‌آهسته به دست فراموشی سپرده شده‌اند؛ ولی مهمترین این وقایع که هرگز از یادها نمی‌رود و همواره از آن به عظمت یاد میشود، واقعه کربلاست که در آن یک امام معصوم به همراه خانواده و یاران همدلی که در مورد آنها فرمود: " أمرهم أمري، و رأيهم رأيي" و اندیشه‌ی آنها درخواست و اندیشه‌ی من است؛ حرکتی را آغاز نمود که به ترسیم پرحادثه‌ترین و خونین‌ترین تابلوی تاریخ منجر شد.

به راستی! چگونه امام حسین 7 حاضر شد پاکترین و ارزشمندترین افراد عصر خویش را به وادی سوزان کربلا ببرد؟ و همه را در معرض تشنگی طاقتفرسا و مرگی خونین قرار دهد؟ در حالی که به علم لدنی میدانست سرانجام این حرکت چه خواهد شد.

لذا، قطعاً باید دلیل محکمی برای آغاز این جنبش داشته باشد و هدفی والا را دنبال نماید!

سید الشهداء 7 در وصیت معروفی که در آغاز حرکت خود برای محمد حنفیه دلیل خروج خود را طلب اصلاح در امت رسول خدا 6 بیان نمود.

" إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّتِ جَدِّي، لَا أَشْرَأُ وَلَا بَطْرَأُ وَلَا ظَالِمًا وَلَا مُفْسِدًا".

(جایی که باید شماره پاورقی بخورد در ص 1 دست نوشته دیده نمیشود)

سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا امام حسین 7 به هدف خویش رسید؟ آیا فسادی که در همی ارکان دین خدا نفوذ کرد و سنت پیامبر 6 را متغیر ساخت، اصلاح شد؟ آیا اسلام ناب محمدی 6، حیاتی دوباره یافت؟

هدف ما در این کتاب، پاسخ دادن به این سؤال، با استمداد از دو ثقل مهم، یعنی قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت: .

نکته مهم: اولین گام برای پاسخ دادن به این سؤال، این است که: باید به جای بررسی شخصیت امام حسین 7، واقعه کربلا را با دیدی وسیع، مورد مطالعه قرار دهیم؛ وسعتی به گسترهی تاریخ بشریت. زیرا این واقعه، معلول علل بسیاری است که همگی دست به دست یکدیگر دادند و باعث حرکت دادن این کاروان توسط امام حسین 7 شدند؛ کاروانی از صالحین که به قصد طلب اصلاح خروج نمود و به مقتضای " كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ" حرکت این کاروان هنوز پایان نیافته است و تا ظهور مصلح کل ادامه خواهد داشت.

- 1- صالحين در قرآن
- 2- برترين درخواست انبياء :
- 3- حكومت صالحين

1- صالحین در قرآن

از آنجا که قرآن و عترت از یکدیگر جدا نیستند، لذا برای دست یافتن به حقیقت حرکت امام حسین **7** به بررسی اجمالی واژه‌ی صالحین در قرآن می‌پردازیم.

1-2: یوسف 7

(رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ).

! (عظیم) به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خوابها
! ای آفرینندهی آسمانها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت
هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما!

: حضرت یوسف 7، بعد از این که به نبوت برگزیده شد و بخشی از قدرت و سلطنت و علم تأویل احادیث را از خدا دریافت نمود، عرضه داشت: پروردگاری که همیشه برای رشد و توفیقات خویش نیازمند ربوبیت او هستم! با توجه به تمام نعمتهایی که روزی من نمودی از تو میخواهم: مرگم را در حالی قرار دهی که تسلیم باشم! و آخرین درخواستم این است که مرا به صالحین ملحق فرمایی!

نکته: شایان توجه است که این آیه، آخرین آیه از بیان قصه زندگی یوسف 7 . چگونه میتوان گفت: یوسف 7 پس از رسیدن به نبوت، دریافت بخشی از ملک و علم تأویل احادیث و مواهب معنوی بسیار از ذات باریتعالی، هنوز اصلاح نشده است؛ و از خداوند متعال طلب اصلاح مینماید؛ بلکه با توجه به واژهی () یوسف 7، در اینجا از خداوند متعال درخواست مینماید تا او را به خیل صالحان برساند. که این معنی، با درخواست اصلاح شدن بلکه گویا یوسف 7، کاروانی را مشاهده مینماید که در آن بندگان برگزیدهی خدا، به سوی مقصدی در حرکتند؛ جلالت کاروان و علو مقصد آنها، زبان نبی برگزیدهی خدا را به این درخواست مترنم میسازد که: ! مرا نیز به آن گروه برسان!

2-2 حضرت ابراهیم 7

(رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ).

! به من علم و دانش ، و مرا به صالحان ملحق کن!

: ابراهیم خلیل الله 7 نیز از خداوند متعال میخواهد که او را به صالحین ملحق فرماید؛ ولی قبل از این دعا از خداوند متعال طلب حکم میکند.

نکته: از این درخواست دو نکته برداشت میشود.

: ابراهیم 7 جد اعلای پیامبر اکرم 6، و یکی از پنج پیامبر اولوالعزم است. او کسی است که قواعد خانگی خدا را بالا برد، از آزمایشهای گوناگون رو سفید بیرون آمد؛ و برای اولین بار ما را مسلم نامید؛ اما با تمام این مراتب، باز آرزویش رسیدن به کاروان صالحین است؛ که از این درخواست ابوالانبیاء - ابراهیم 7 - عظمت این کاروان و مقصد آن، بیشتر خودنمایی میکند.

: ابراهیم 7 از خداوند متعال طلب حکم میکند، که این تقاضا، بیانگر اهمیت مقولهی حکم، در الحاق به صالحین است. این شیوهی دعا یکی از دو صورت زیر را نتیجه میدهد:

(ممکن است پیوستن به صالحین نیاز به حکم داشته باشد.

(ابراهیم 7 چون میخواهد در کاروان صالحین جزء مهره‌های اصلی قرار بگیرد نیازمند حکم است.

3-2 اسماعیل و اسحاق 8

(رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (100) فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (101)

(102)

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (103) وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (104)
 إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (105) إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (106)
 يَذْبَحْ عَظِيمٍ (107) وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (108) سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (109)
 كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (110) إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (111)
 يَا اسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (112) .

[به من از صالحان] = [! *] = [ابراهیم]

به جوانی بردبار و صبور بشارت دادیم! * هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، : ! من در خواب دیدم که تو را ذبح میکنم، نظر تو چیست؟ گفت پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت! * هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد... * او را ندا دادیم که: ای ابراهیم! * آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی)! * ما این گونه، نیکوکاران دهیم! * این مسلماً همان امتحان آشکار است! * ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم، * و نام نیک او را در اّمتهای بعد باقی نهادیم! * سلام بر ابراهیم! * این گونه نیکوکاران را پاداش میدهیم! * او از بندگان باایمان ما است! * ما او را به اسحاق - پیامبری از شایستگان- بشارت دادیم! *

: حضرت ابراهیم 7، پس از شکستن بتها و خروج پیروزمندانه از آتش نمرود، از خداوند متعال فرزند میطلبد؛ فرزندی از زمرهی صالحین؛ و آنگاه مژدهی اسماعیل 7 پروردگار دریافت میکند.

وقتی اسماعیل 7 به جوانی رسید، آزمایش دیگر ابراهیم 7 آغاز شد؛ ذبح اسماعیل 7!

او از این آزمایش نیز سرافراز بیرون آمد. همینجا بود که خداوند متعال بشارت فرزندی دیگر از صالحین را به او داد.

نکته: از این آیات نتیجه میگیریم: کاروان صالحین آنقدر حائز اهمیت بوده که ابراهیم 7 نهتنها برای خود، بلکه برای فرزندانش هم ورود به آن را درخواست مینماید.

4-2 حضرت یحیی 7

(قَدَاتَهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ).

هنگامی که او در ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد؛ () که کلمه‌ی خدا [= مسیح] را تصدیق کند؛ و رهبر خواهد بود؛ و از هوسهای سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.

: زکریاء 7 در سنین پیری، هنوز از وجود فرزند ببهره بود؛ سپس دست به دعا برداشته و از خداوند درخواست فرزند نمود؛ و آنگاه که در محراب عبادت قیام نموده بود، ملائکه بشارت فرزندى را به او دادند که آن فرزند، تصدیق‌کننده‌ی کلمه‌ی خدا، عیسی 7 خواهد بود و صاحب مقام سیادت و آقایی و زهد و پارسایی است؛ و اینکه او پیامبری از صالحین است.

نکته: یحیی 7 پس از تصدیق عیسی 7 و کسب مقام سیادت و پارسایی به نشان ورود به زمره‌ی صالحین مفتخر شد و به این کاروان باعظمت پیوست.

5-2 زکریا، یحیی، عیسی و الیاس :

(وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ).

(همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را؛ همه از صالحان بودند.

: از ظاهر آیه چنین برداشت میشود که: منظور از مقوله‌ی صالحین، فوق معنای رایج است. بلکه منظور همان چیزی است که در مورد ابراهیم و یوسف 8 بیان شد.

6-2 7

(وَلَوْطًا أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ (74) وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (75)).

(به یاد آور) که به او و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و کثیف انجام می‌دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسق بودند! * در رحمت خود داخل کردیم؛ و او از صالحان بود.

: در این آیات نیز خداوند بار دیگر از اعطای حکم به پیامبری دیگر - 7 - میگوید؛ و سپس میفرماید: ما لوط را در رحمت خویش داخل نمودیم. بدرستی که او از صالحین

نکته: در این آیه دخول در رحمت قبل از (إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ) . یعنی اول باید در رحمت الهی داخل شد و وصل به رحمة للعالمین شد، آنگاه به صالحین پیوست.

7-2 حضرت یونس 7

(لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (49) فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (50)).

و اگر رحمت خدا به یاریش نیامده بود، (از شکم ماهی) بیرون افکنده می حالی که نکوهیده بود! * ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد!

: یونس 7، وقتی ردای صبر را از خود دور ساخت و در حالی که خشمگین بود از قوم خود کناره گرفت، به بلای شکم ماهی مبتلا شد، و اگر نعمتی از پروردگارش به او نمیرسید، به صحرای بیاب و علف میافتاد، و از جانب پروردگارش نیز مورد سرزنش قرار می گرفت. با این همه پروردگارش او را برگزید و از زمرهی صالحین قرارش داد.

8-2 حضرت سلیمان 7

(فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ).

سلیمان 7، از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: ! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود!

: سلیمان 7 نیز برای پیوستن به صالحین، چنگ در رحمت الهی زد و به این حبل متین متمسک شد. البته روشن است که توفیق انجام عمل صالح و دخول در زمرهی صالحین، با هم متفاوت بوده و دو مقوله اند.

9-2 حضرت عیسی 7

(وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ).

و با مردم، در گهواره و در حالت کهنوت (و میانسال شدن) سخن خواهد گفت؛ و از شایستگان است.

: عیسی 7 همانگونه که در گهواره با مردم سخن گفت و خود را بندهی خدا و صاحب کتاب و پیامبر معرفی نمود، در دوران میانسالی نیز با مردم سخن خواهد گفت؛ در حالیکه در زمرهی صالحین است. در تفسیر این آیه، روایتی از معصوم وارد شده است؛ بدین ترتیب: " قَدْ كَلَّمَهُمْ عِيسَى فِي الْمَهْدِ وَ سَيُكَلِّمُهُمْ إِذَا قَتَلَ الدَّجَالَ وَ هُوَ يَوْمَئِذٍ كَهْلٌ".

عیسی 7، زمانی که در گهواره بود با مردم سخن گفت و در آینده هنگامی که دجال را بکشد، نیز با مردم سخن خواهد گفت؛ در حالیکه میانسال است.

نکته: با توجه به روایت فوق چنین بدست می آید که عیسی 7 در آخر الزمان و فتنه های دجال بر خواهد گشت، و او در آن برهه از زمان در زمرهی صالحین است.

3- حکومت صالحین

حال که معلوم شد برترین درخواست انبیاء: رسیدن به کاروان صالحین است، باید ببینیم مقصد این کاروان کجاست؟
خداوند متعال میفرماید: (وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) .

() نوشتیم - که یقیناً - : بندگان شایسته ()
زمین خواهند شد!

در این آیه خداوند متعال با آوردن چهار تأکید: لام، قد، فعل کتب و آن، حکومت صالحین را آخرین حکومت زمین میداند.

نظیر این آیه، آیهی 55 سورهی مبارکهی نور است؛ که
میفرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كََمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ
ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ).

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده
دهد که: قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها
خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه
خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل میکند، آنچنان که تنها مرا
میسپرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها

: خداوند در این آیه، خلافت در زمین و پابرجایی دینش را به مؤمنین بشارت میدهد.
همچنین در آیهی (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ) ، خداوند متعال وعدهی قطعی
فرموده که پیامبران را در دنیا یاری خواهد کرد و تا به امروز این نصرت انجام نشده است و
باید روزی محقق شود.

و آیهای که خداوند متعال از انبیاء: در ایمان آوردن و یاری کردم پیامبر 6 پیمان گرفت،
7 در تفسیر (لننصرنه)

میفرماید: " 7 تا انتها، خداوند پیامبر و رسولی را مبعوث نفرموده مگر اینکه همگی را به
دنیا باز خواهد گرداند، تا اینکه در

پیشروی علی 7 " . و نصرت خداوند در مورد پیامبران
() - و امیرالمؤمنین 7 - (لننصرنه) - در رجعت و دوران پیش از ظهور امام زمان عجل
الله تعالی فرجه الشریف صورت خواهد پذیرفت.

پس چنانکه ملاحظه میشود، تمام انبیاء الهی؛ با آینده در ارتباط هستند و هنوز رسالت آنها، که همانا هدایت انسانها و رساندن ایشان به کمال و رفعت است، محقق نشده، لذا باید روزی بازگردند و برای این هدف والا تلاش نمایند و زمین را پس از پر شدن از ظلم و جور، پاک نموده و عدالت را حاکم نمایند؛ تا دین خدا بر تمام گرایشهای فکری، غلبه پیدا کند **(لِيُظْهِرَهُ عَلَى** رفتن تمام درجات شرک، به گونهای که دیگر هیچ فتنهای باقی نماند و **(يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ)** تجلی پیدا کند. لذا فرمودهاند: " **إِنْ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ هُوَ أَنْتَظِرَ الْفَرَجَ**".

زیرا انتظار فرج یعنی: انتظار حکومت الله، و بازگشت انسان به بهشت آدم 7.)
وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ .

حاصل کلام اینکه: کاروان صالحین، یک کاروان نورانی و ملکوتی است و از آنجا که ملکوت در دست خداوند متعال است، لذا قافلها سالار این کاروان نیز خداوند متعال است که این کاروان را به مقصد خواهد رساند و وعدهی خویش را در زمین محقق خواهد نمود؛ که:)

فِي الزَّبُورِ مَنْ بَعْدَ الذُّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ .

(نوشتیم: بندگان شایسته) (زمین خواهند شد!)

- 1- حکمت قصص قرآن
- 2- انبیاء: و مهدویت
- 3- شواهدی در تاریخ انبیاء:

1- حکمت قصص قرآن

در این قسمت لازم است به این سؤال پاسخ دهیم که: آیا انبیاء: در کنار دعا، در عمل هم به دنبال پیوستن به کاروان صالحین بوده‌اند؟

. و این امر در لابه‌لای قصص انبیاء: در قرآن مشهود است.

اما به راستی! قرآن از بیان سرگذشت انبیاء سلف: و اقوام آنها، که قرن‌ها بین امت اسلام و آنها فاصله وجود دارد، چه هدفی را دنبال مینماید؟

قرآن، خود چنین پاسخ میدهد: به تحقیق که در قصص انبیاء عبرت است برای صاحبان

کلمهی ()، به معنای: پند گرفتن و عبور کردن از چیزی و رسیدن به مقصد است. عبر النهر، یعنی: از رودخانه گذشت و به طرف دیگر رسید. پس خداوند متعال میخواهد با این قصص خواننده را عبور دهد از جایی به جای دیگر.

سؤال این است که: ما باید از زمان نوح، لوط، یوسف: ... به کجا منتقل شویم؟

آیا به آسانی میتوان هدف خداوند متعال را در این عبور فهمید؟

جواب منفی است. زیرا فرمود: () . پس تنها صاحبان خرد بیدار، و افراد تیزهوش، با تعمق و تفکر در آیات و بهره بردن از روایات اهل بیت: قادر به فهم این امر مهم هستند. در واقع اگر تمام قصص انبیاء: را جمع کرده و به بررسی دقیق آنها با استفاده از روایات اهل بیت: پردازیم خواهیم دید که هدف مهمی آنها بیان یک مطلب است: وقایع دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و چگونگی حکومت ایشان در آینده.

در حقیقت قصه، قصه مهدی 7 است و دیگر هیچ!

گویا خداوند متعال خواسته با بازگویی این جریانات در قرآن کریم، بطور غیر مستقیم، امت پیامبر 6 را با این وقایع آشنا فرماید، تا با عبور از تاریخ گذشتگان، مسیر صحیح خود را در برخورد با فتنهها و اتفاقات پیش از ظهور حضرت بیابند؛ و نیز با شیوهی حکومتی حضرت و برکات و نعماتی که در آن دولت کریمه یافت میشود، آشنا سازد. هر پیامبری به اقتضای زمان خویش، یا حرکتی منطبق با دولت امام زمان عجل الله فرجه الشریف انجام داده است؛ یا خداوند نمونه‌های از وقایع دوران غیبت، فتنه‌های آخر الزمان و شیوهی قیام و حکومت حضرت را در عصر ایشان به نمایش گذاشته است.

اکنون، قبل از اینکه به بررسی شواهد عملی در زندگی انبیاء: برای پیوستن به کاروان صالحین پردازیم، لازم است مفهوم مهدویت و ارتباط انبیاء: را با آن، به طور مختصر از نظر بگذرانیم.

8 آنها را در بهشت، مسکن داد و از نزدیک شدن به شجره‌ی ممنوعه نهی کرده و فرمود: اگر از بهشت خارج شوی، به مشقت و سختی می‌افتی، گرسنه و عریان شده و به تشنگی و حرارت آفتاب دچار می‌شوی.

اما اغوای شیطان کارگر افتاد و ندای (إهیطوا) آنها را از منزل کرامت و قوت پروردگار تنزل داد؛ نورانیتشان از بین رفت؛ زشتیهایشان آشکار گشته، و نیازمند لباس و غذا و مسکن گردیدند؛ و در یک کلام: گرفتار دنیا و پستیهایش شدند.

تنزل از جایگاه قرب الهی، و همنشینی شیاطین با انسانها، سرچشمه‌ی سایر خطاهای اولاد آدم گردید؛ و فساد در زمین آغاز شد. خداوند متعال بر اساس حکمت و ربوبیتش حرکت اصلاحی خود، یعنی بازگرداندن انسانها به بهشت آدم 7 را توسط ارسال رسل و کتب آسمانی، آغاز نمود؛ که این یک جلوه از جلوه‌های (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) 7 را اولین پیامبر خویش قرار داده و فرمود:

(فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن تبعیت کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند.

به عبارتی: هر که از رهبران الهی تبعیت نماید ترس و اندوهی بر او نیست.

لذا وظیفه‌ی تمام انبیاء: این بود که جایگاه حقیقی انسانها را به ایشان یادآوری نموده و با هموار نمودن راه رشد و کمال و رفعت آنها، در بازگشت به آن مرتبه، یاریشان نمایند؛ و بساط ظلم و فساد را از عالم برچینند؛ و تا تحقق (حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ) از پای ننشینند.

این همان سیر مهدویت در طول تاریخ است؛ که اگر مردم نیز خواهان این رشد و رفعت بودند، مهدویت، در زمان انبیاء سلف یا سایر ائمه: میشد، و لقب مهدی موعود به کسی تعلق می‌گرفت که قوس نزولی هبوط را به قوس صعودی رفعت تبدیل مینمود. و لذا همه‌ی انبیاء و ائمه‌ی هدی: مهدی میباشند. زیرا در خط سیر مهدویت که همان به رشد و کمال رساندن انسانها و هدایت ایشان به قرب الهی است حرکت مینموده‌اند.

اما از آنجا که اقوام گذشته در اینباره کوتاهی کردند و به لذات دنیا دل خوش کرده و به مادیات بسنده نمودند، این مهم انجام نشد؛ و خواست

خداوند متعال بر این قرار گرفت تا این مسئولیت عظیم را آخرین وصیّ پیامبر
8 بر عهده بگیرد و از این جهت است که به ایشان مهدی گفته
میشود.

1-2 انبیاء اولو العزم و مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف

مطلب مهم در رابطه با انبیاء الهی این است که: درجه بندی آنها به رسول و نبی، اولو العزم و غیر اولو العزم، نیز ارتباط با مهدی 7 در تفسیر آیهی (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) ، فرموده‌اند: هنگامی که خداوند متعال خلائق را آفرید ... از انبیاء پیمان گرفت بر یگانگی خود، رسالت 6 و ولایت علی 7؛ و هنگامی که پاسخ مثبت دادند، نبوت برای ایشان به ثبوت رسید. آنگاه از انبیاء اولو العزم بر یکتایی خود، رسالت محمد 6 ولایت علی 7 و فرزندانش میثاق گرفته و فرمود: آیا اقرار میکنید که مهدی کسی است که توسط او دینم را یاری کرده و دولت را آشکار نموده و توسط او از دشمنانم انتقام بگیرم و به وسیلهی (حکومت) او، چه از روی طاعت یا از سر کراهت عبادت خواهم شد؟!

: اقرار و اعتراف کرده و شهادت میدهیم؛ ولی آدم 7 انکار نمود و نه اقرار کرد.

پس سختکوشی و پایداری و شکیبایی این پنج نفر - نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد- در رابطه با مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف (و تلاش برای آماده کردن مردم و برپایی حکومت حضرت) ثبوت رسید و تحقق یافت؛ ولی آدم 7 این سختکوشی و شکیبایی را در اقرار به مهدی عجل الله تعالى فرجه نداشت.

نتیجه: پنج پیامبر اولو العزم، برای برپایی حکومت صالحین به رهبری اباصالح المهدی عجل الله تعالى فرجه، سختکوش و شکیبا بودند؛ و از منتظران راستین ایشان محسوب میشوند و همانطور که در آینده روشن خواهد شد، در دولت حضرت ایفای نقش میکنند؛ و سایر انبیاء: نیز به اندازهی صبر و تلاششان، در حکومت حضرت نقشی را عهده‌دار خواهند . و در حقیقت علت صبر و تلاش بیوقفهی انبیاء و اولیاء: خصوصاً انبیاء اولو العزم، از توجه به غایت و آیندهی جهان سرچشمه میگرفته است که: (أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) .

3- شواهدی در تاریخ انبیاء:

گفتیم که: در زندگی هر یک از انبیاء و اولیاء الهی، به امر پروردگار و بر طبق مقتضیات زمان ایشان، صحنهای از خط سیر مهدویت نشان داده شد. اکنون با ذکر اجمالی چند مثال از زندگی انبیاء این مطلب را بهتر تبیین خواهیم نمود.

1-3 7، عذاب فراگیر

7 در تفسیر آیہی (حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ) .

آغاز جوشش آب را از تنوری - که اکنون در مسجد کوفه است- بیان فرموده، آنگاه چنین ادامه میدهند: " ... إن الله تبارك و تعالی أرسل عليهم المطر يفيض فيضاً و فاض الفترات فيضاً و العيون كلهن فيضاً و أغرقهم الله ... "

بدرستی که خداوند متعال ابری بر آنها فرستاد که به شدت میبارید؛ سپس آب فرات افزون شده و روان گشت و تمام چشمها از آب لبریز و روان شدند و خداوند همگی را غرق کرد ...

ملاحظه که این عذاب از بالا و پایین قوم نوح را احاطه کرده و کفار را هلاک نمود.

نظیر این عذاب در آخر الزمان نیز اتفاق خواهد افتاد؛ مؤید کلام ما، تفسیر است که امام علی⁷ در مورد آیہی (قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ)

ایشان فرموده‌اند: " و يأتيهم يومئذ الخسف و القذف و المسخ فيومئذ تأويل هذه الآية".
(قبل از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف) سه عذاب: فرو رفتن در زمین، ریزش سنگ از هر سو و مسخ چهره‌ی کفار را فرا خواهد گرفت و تأویل این آیه آن روز است.
باید توجه داشت، همانگونه که کشتی نوح در عمق و لابه‌لای این عذاب مردم را نجات داد، در آخر الزمان دو کشتی نجات - سید الشهداء⁷ و کشتی نوح - ولایت اهل بیت: - از فتنه‌های فراگیر نجات خواهند داد.

2-3: 7 گسترش گناه علی

(وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (28) أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ

إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ (29)

(54)
)
لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (55).

آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟! شما قومی نادانید! *
(به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی
روید در حالی که (نتایج شوم آن را) بینید!»

: بر طبق آیات فوق قوم لوط 7، اعمال بسیار زشت و ناپسند را در مجالس عمومی
مرتکب میشدند در حالی که دیگران گناه زشت آنها را نظاره میکردند.

آنها راه فطری ازدواج زن و مرد را بسته، و به همجنسگرایی رو آورده بودند؛ و این
مسئله چیزی است که در جهان امروز به وقوع پیوسته و متأسفانه در مجالس قانونگذاری دول
آمریکایی و اروپایی به تصویب رسیده و آزادانه انجام میگیرد. تا جایی که قبح این عمل رخت
بر بسته است و این منکر، معروف شمرده میشود.

شایان ذکر است که لوط 7 نیز مانند شعیب در حالی که مشغول ارشاد قوم خویش بود
یکباره گریز میزند، و از امام زمان عج و اصحاب یاد کرده و میگوید: ()
. ای کاش من نیز در برابر شما قوت داشتم یا به رکن شدیدی
پناهنده میشدم.

7 فرموده‌اند: " 7 (لو ان الی بکم قوة او آوی الی رکن شدید)
آرزو نکردم مگر قوة قائم 7 و متذکر نشد مگر شدت و سختی اصحاب حضرت را. (به کم در
خواندن دچار مشکل شدم) (برگه ضمیمه به برگ 13)

3-3 ابراهیم 7، طلب مناسک حج از خدا

ابراهیم 7 در واقع، هم درخواست دخول در خیل صالحین را از خدا نمود، و هم برنامه‌ی
آن را از خدا طلب کرد. او خانوادگی خود را در سرزمین بیاب و علف مسکن داد و پس از بالا
بردن قواعد خانگی خدا، با توجه به اینکه ملکوت را میدید، چند درخواست از خدا نمود. از جمله
: () . ! شیوهی عبادت و پرستش را به طور عملی به ما نشان بده!

از آنجا که عبادت و پرستش ابزاری هستند برای به کمال رساندن انسانها، پس ابراهیم 7
در واقع نمایش عملی راه رفعت و کمال انسانی، و سیر مهدویت را که توسط امام زمان عجل الله
تعالی فرجه الشریف انجام خواهد شد را طلب نمود. راهی که دوباره بنیادم را به بهشت آدم 7، که
همان دولت کریمه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است برگرداند.

و خداوند حج را به عنوان مانور مهدویت به نمایش گذاشت؛ تا فرزندان آدم لباس تعلقات
مادی را از خود دور کرده و با بستن احرام، لباس سفید تقوا بر تن نمایند؛ که این آغاز حرکت
برای پیوستن به کاروان صالحین است. آنگاه از جبل الرحمة در عرفات، رحمت الهی را دریافت
نموده و به معرفت امام دست یابند؛ و در تاریکی مشعر و دوران غیبت با دقت هر چه تمامتر
سلاح برای مبارزه با شیاطین جن و انس را فراهم آورده تا با طلوع سپیده‌ی وجود امام 7
وادی منی به مبارزه با طواغیب و شیاطین پرداخته و زمین را از لوث وجود کفر و ظلم پاک

و در نهایت پروانه‌وار به گرد وجود کعبه‌ی دل، امام مبین، به طواف پرداخته و حج
ابراهیمی را که هر ساله برای پیمان بستن با امام هر عصر برگزار میشود به اتمام برسانند.

4-3 حضرت سلیمان 7، طلب ملک
(قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلَكًا لَا يُتَّبِعُنِي لِأَخَذَ مِنْ بَغْدِي)

: ! و مُلْكِي بِهِ مِنْ عَطَاكَ كُنْ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ سَزَاوَارِ هَيْجِ كَسْ
نَبَاشِدْ، كِه تُو بَسِيَارِ بَخْشِنْدِه !

(وَلِسَلِيمَانَ الرِّيحَ عُدُوَهَا شَهْرًا وَرَوَاحَهَا شَهْرًا وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ
وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَأْذِنُ رِيَهُ وَمَنْ يَزَعُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذِقُهُ
مِنَ عَذَابِ السَّعِيرِ).

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر
یکماه را میپیمود، و عصرگاهان مسیر یکماه را؛ و چشمه مس ()
ساختیم؛ و گروهی از جن، پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند؛ و هر کدام از
آنها که از فرمان ما سرپیچی می
چشانیم!

: بر طبق شواهد قرآنی، حضرت سلیمان 7 سلطنتی بزرگ را طلب نمود و خداوند او
را حاکم بر جن و انس و حیوانات قرار داده و باد را مسخرش نمود. این حکومت نمونه‌های کوچک
از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

پیامبر 6 : در شب معراج ندای پروردگار در گوش جانم طنینانداز شد که: "ای
! توسط آخرین وصی تو، زمین را از لوٹ وجود دشمنانم پاک کرده، و او را مالک شرق و
غرب زمین نموده و ابرهای سنگین را مسخرش میکنم، و او را با وسایل (به آسمانها)
خواهم برد و با سپاه فرشتگانم، یاریش خواهم داد؛ تا دعوتم را آشکار کرده و خلق را بر توحید
متفق سازد؛ آنگاه که چنین شد، حکومتش را ادامه خواهم داد و این حکومت به دست اولیائم خواهد
بود تا قیامت".

5-3 7، عمل بر اساس علم غیب

(قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا (66)
قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (67) وَكَيْفَ تَصِيرَ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ

(69)

(68)

(70).

موسی به او گفت: آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و
مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟ * : «تو هرگز نمیتوانی با من شکیبایی کنی! *
و چگونه میتوانی در برابر چیزی که از رموز آگاه نیستی شکیبا باشی؟! * () :
«به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» *
() : خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز میسر تا خودم (به موقع)

حضرت موسی 7 در پی پیری خردمند، سختی سفر را به جان خرید و سرانجام به خدمت خضر نبی 7 که مخزن علوم الهی بود، رسید؛ و از او خواست تا از علومی که در سینه دارد، او را نیز بهر همد سازد.

7 به شرط تبعیت محض و بیچون و چرای موسی 7 از او، درخواستش را پذیرفت : علت هیچ کارم را نپرس تا اینکه خودم علتش را (بیان کنم.

7، ملکوت اشیاء را میدید و با علم الهی از اتفاقات آینده و اسرار آگاه بود، لذا به اذن الهی بر اساس علم خویش سه عمل انجام داد؛ که در هر سه مورد، با اعتراض موسی 7 مواجه . زیرا اینگونه عملکرد در زمان موسی 7 . از آن جمله: پسر غیر بالغی را بدون جرم و گناه کشت و پس از مواجه شدن با اعتراض شدید موسی 7 : پدر و مادر این پسر . ترسیدم که این پسر، والدین خویش را از راه ایمان، به کفر و طغیان ببرد.

این جریان نیز گوشه‌های از اتفاقات دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه را نشان میدهد؛ گویا قرآن می‌خواهد بدینوسیله ما را با روش حکومت امام زمان که روش ویژه و حقی روشی که در آن امام 7 بدون بینه و شاهد، حکم میکند و با علم لدنی خویش، و با توجه به ملکوت اشیاء، ظالم و مجرم را از غیر آن تشخیص میدهد و حکم عادلانه را صادر مینماید؛ و با این روش عدالت را در سراسر جهان میگستراند. که این شیوه تنها راه برای برقراری کامل عدالت و امنیت است.

قرآن از بیان این ماجرا در صدد قصه‌گویی نیست؛ بلکه می‌خواهد به ما درس تبعیت و 7، که خلیفه خدا و چشم خدا در زمین است، را بدهد که مبادا ما نیز بخاطر حرکات حضرت که با نگاه ظاهری قابل توجیه نیستند، زبان به اعتراض گشوده و در برابر امام معصوم بایستیم.

6-3 حضرت یوسف 7، غیبت

یوسف 7، با کید شیطان و همدستی برادرانش از شهر و دیار خود رانده شد و به فراق پدر مبتلا گردید؛ و دچار غیبتی چهل‌ساله شد و با اینکه در نزدیکی خاندان خویش زندگی میکرد اما از دیدارش محروم بودند. این غیبت نمونه‌های است از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که به این امر در دعای ندبه اشاره شده است. " بنفسی أنت من مغیب لم یخل منا".

غیبتی که با کوتاهی شیعیان و دسیسه‌های شیاطین به آن دچار شد و همانند یوسف 7 اینک در بین ماست از دیدار جمال او محرومیم.

7-3 حضرت شعیب 7 اشاره‌ی مستقیم به بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

(وَا يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (85) بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (86)).

! پیمان‌ه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء ()

مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نگاهید! و در زمین به فساد نکوشید! * آنچه خداوند

(از سرمایه‌های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید!
(و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم!

: شعیب 7، پس از اینکه قوم خود را امر به عدالت

میکند میفرماید: در زمین فساد نکنید! و یکباره در وسط کلام، حرف خود را قطع کرده و میگوید: ای مردم! اگر ایمان داشته باشید، بقیت الله برای شما بهتر است! کنایه از این که: تا زمانی که به دنبال جیفه‌ی دنیا و مشغول ظلم و تجاوز به حقوق یکدیگر هستید. بیایید و برای برپایی حکومت حق‌ی او قدم برداریم؛ تا دوباره بهشت آدم 7 در زمین برپا شود و همگی در سایه‌ی الطاف الهی به اعلیٰ علین برسیم. این والاترین هدف عالم آفرینش است که ارزش تلاش کردن . نه این متاع بیارزش دنیا که برای دستیابی به آن از هیچ ستمی کوتاهی نمیکنید.

در تفسیر این آیه، امام باقر 7 : " اول ما ینطق به القائم حین خرج هذه الآیه: **(بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)** " ثم يقول: أنا بقية الله و حجة و خليفة عليكم ... "

اولین سخن قائم 7، پس از خروجش، همین آیه است؛ و سپس مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف خود را بقية الله ... معرفی میفرماید.

حاصل کلام:

با توجه به شواهد عملی و اشارات کلامی انبیاء: معلوم شد که: انبیاء: با دید مهدوی حرکت و تصمیمگیری میکرده‌اند و همگی مشتاق و منتظر ظهور آن دولت صالح بوده‌اند؛ و حرکات ایشان برای تحقق همین هدف مقدس بوده است؛ و لذا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، پس از ظهور، ابتدا خون انبیاء: و فرزندان آنها را طلب میکند. چرا که ایشان برای تحقق ظهور حضرت زحمات بسیار متحمل شده و در صدد زمینه‌سازی برای ظهور حضرت بوده‌اند و از همه چیز خود در این راه گذشت‌ه‌اند.

:

- 1- راه پیوستن به کاروان صالحین از دیدگاه قرآن
- 2- سیر حرکت کاروان صالحین از دید ادعیه و خطب وارده از معصومین:

1- راه پیوستن به کاروان صالحین از دیدگاه قرآن

اکنون که با توجه به آیات و روایات روشن شد که منظور از صالحین در قرآن یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه میباشند، باید دید چگونه میتوان خود را به این کاروان رساند؟ برای رسیدن به پاسخ سؤال فوق از قرآن و کلام امام حسین 7 مدد میجوییم. آیات مورد نظر عبارتند از:

1- **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ.**

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد!

2- **(يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ).**

به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی گیرند؛ و آنها از صالحانند.

: باید دانست منظور از عمل صالح و خیرات چیست؟ آیا هر عمل صالحی و سبقت در هر خیری مورد نظر است؟

در مورد عمل صالح، از کلام امام حسین 7 استفاده میبریم؛ ایشان در فرازی از وصیت خود به محمد حنفیه، پس از اقرار به یگانگی خداوند و بیان اعتقادات حقهی خویش میفرماید: " اینی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی 6". بدروستی که حرکت من از روی سرکشی و تکبر و فساد و ظلم نیست؛ بلکه برای طلب اصلاح در امت جدم قیام نمودم

امام حسین 7 در این فراز از وصیتنامهی خویش، طلب اصلاح را در برابر چهار نفی قرار دادهاند.

نتیجهی کلام حضرت این است که: اگر در زمرهی هر یک از این چهار گروه باشی، یقیناً دیگر جزو گروه صالحان نخواهی بود و از طرف دیگر هر کاری که در جهت حرکت اصلاحی و هماهنگ با اهداف مهدویت نباشد یا سرکشی است یا تکبر؛ یا فساد است یا ظلم.

تأیید کلام امام 7 در سورهی () دیده میشود. آنجا که خداوند متعال به عصر قیام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قسم یاد کرده و میفرمایند: همه در خسارتند، مگر مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، عمل صالح به همراه سفارش به حق و صبر. یعنی هر کس جزو این گروه از مؤمنین نباشد قطعاً جزو خاسرین است.

7 در تفسیر حق و صبر فرموده‌اند: () ، یعنی ()
(به) () یعنی () (و غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف).

با توجه به روایت فوق سورهی عصر، چنین معنی میشود: قسم به دورهی غیبت مهدی، همه در خسارت و زیان هستند، مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح همراه با سفارش به امامت مهدی و سفارش به صبر در دوران غیبت مهدی داشته باشند.

لذا پس از ایمان، برای پیوستن به این کاروان نورانی و ملکوتی باید تمام اعمال ما، رنگ و بوی مهدویت به خود بگیرد. نماز، روزه، حج، جهاد، زیارت و ... و از همین جهت است که 7 هنگامی که از خانه به سمت مسجد حرکت میکردند، فرمودند: " فانی لم اخرج اشراً " بار الها! من در حال سرکشی و استکبار و ... " و لکن خرجت ابتغاء رضوانک". بلکه خروج برای کسب رضای تو است. و حرکت من نقطهی مقابل اش و بطر بوده و هدفمند است.

همچنین در جای دیگر فرمودند: " مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِباً لَا اشْراً و لَا بَطْراً و لَا سَمْعَةَ مُجِصَّتْ دُنُوبُهُ كَمَا يَمْحَصُ الثَّوْبُ فِي الْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنَسٌ وَّ يَكْتُبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَاجَةٌ وَّ كَلِمَةٌ "

هر کس در حالی که حسابگر است، به زیارت حسین 7 برود و حرکتش از روی سرکشی و تکبر و خودنمایی نباشد، گناهانش محو میشود.

کنایه از اینکه حرکت برای زیارت نیز باید حسابشده و در راستای هدفی والا و مقدس باشد، تا به آن ثوابهای عظیم دست بیابیم و اساساً زیبایی هر عملی به نتیجه و غایت آن عمل بستگی دارد.

شاید شخم زدن زمین برای کاشت گل زیبا نباشد ولی چون نتیجه‌اش که تبدیل شدن زمین خشک به گلستان است، زیباست. شخم زدن نیز زیبا میشود و به همین دلیل است که صحنه‌های خونبار کربلا در عین جانگداز بودن زیباست؛ چرا که حرکت امام حسین 7 با هدف اصلاح و برپایی حکومت صالحین در زمین انجام شد.

اما در مورد خیرات، قرآن میفرماید: (فَاسْتَيْقُوا الْخَيْرَاتِ اَيْنَ مَا تَكُونُوا يَاتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً).

7 در تفسیر این آیه فرموده‌اند: " نزلت فی القائم و اصحابه یجمعون علی غیر میعاد". این آیه در مورد مهدی و یاران او نازل شده که بدون وعدهی قبلی یک جا جمع میشوند.

پس یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه کسانی هستند که در خیرات پیشی گرفته‌اند.

از جمع آنچه گذشت، چنین استنتاج میشود که: توشهی سالک در رسیدن به کاروان عبارت

:

1- ایمان خالص و بیثائبه از هر گونه شرک، به گونهای که منجر به انجام اعمال صالح و خیر گردد.

2- عملی که در نیت و ظاهر، الهی بوده و در جهت تحقق آرمانهای مهدوی و دولت حضرت باشد به دور از هر بیهودگی و بیجاصلی.

3- تسریع در انجام اعمال صالح و خیر و دوری از هر سستی، که این مهمترین شرط

" اللَّهُمَّ! بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَ فِي عَلِيِّنَ قَارِعْنَا".

2- سیر حرکت کاروان صالحین در ادعیه و خطب وارده از معصومین:

سیر حرکت این کاروان نورانی، که همان سیر مهدویت است در خطبههای حضرت زهرا و حضرت زینب⁸، صحیفهی سجادیه و نیز دعای عاشقانه و پراهمیت ندبه مطرح شده است.

در اینجا بطور اجمالی به بررسی این دعا میپردازیم.

2-1 سیر مهدویت در دعای ندبه

1- هبوط آدم⁷: " فبعض اسکنته جنتک الی ان اخرجته منها"

2- ارسال رسل و اوصیاء آنها: " و بعض حملته فی فلکک ... و تخیرت له اوصیاء".

3- هدف بعثت انبیاء::

(اقامهی دین خدا: "اقامة لدینک".

(حجتی باشند بر بندگان: "حجة علی عبادک".

(حق از محل استقرار خویش خارج نشود: "لئلا یزول الحق عن مقره".

(باطل غلبه پیدا نکند: "و یغلب الباطل علی اهله".

4- بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: " الی ان انتهیت بالامر الی حبیبک و نجیبک"⁶.

5- یاری پیامبر از طرف خدا برای رسیدن به هدف غایی: " نصرته بارعب و حففته بجبرئیل و ...

6- هدف غایی بعثت پیامبر: " لیظهره علی الدین کله ... "

این هدف محقق نمیشود مگر با تمکن و استقرار دین حق در زمین به گونهای که ریشهی فساد به دست بندگان صالح خدا از زمین برکنده شود.

7- شهادت پیامبر⁶ و خلافت علی⁷: " فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابیطالب".

8- ویژگیهای علی⁷ که صالح المؤمنین است. "أنا و علی من شجرة واحدة ... و لا تأخذہ فی الله

... "

9- وصف کاروان حسین 7؛ قتل، اسارت و دوری از وطن: "فقتل من قتل و سبی من سبی و اقصى من اقصى".

10- راه آماده شدن برای گرفتن انتقام خون حسین به اشک، ندبه، شیون از دل کشیدن، ضجه و زاری و ناله‌ی جانشوز: " فلیبک الباکون ... و یعج العاجون".

11- : منتقم واقعی کجاست؟ " این بقیة الله؟ ... این ... ؟ این "

12- اهداف بقیة الله:

(قطع ریشه‌ی ظالمان، بطور کامل: "این المعد لقطع دابر الظلمة؟".

(طلب خون انبیاء و فرزندان انبیاء و حسین: " این الطالب بذحول ... این الطالب بدم المقنول بکربلا؟".

13- یادآوری نسبت مهدی و اجداد طاهرش برای ایجاد معرفت بیشتر: "این ابن النبی المصطفی ... یابن من دنی فتدلی ... "

14- با بالا رفتن معرفت نسبت به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، فراق جانگدازتر میشود: " عزیز علی أن أرى الخلق و لا ترى ... "

15- 21 3 . اشتیاق نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شعلهور میشود، وجود مقدسش احساس میشود و آمادگی جانفشانی در راه او و در رکاب او پیدا : "بنفسی انت من مغیب لم یخل منا، بنفسی انت ... "

16- جهاد و درگیری با دشمنان، در کنار مهدی عجل الله تعالی فرجه تا نابودی کامل دشمن: "أتری نحف بک ... و قطعت دابر المتکبرین".

17- حمد الهی برای این پیروزی: " و نحن نقول الحمد لله رب العالمین".

18- حرکت در پشت سر امام زمان 7 برای رسیدن به بهشت آدم و رفت دوباره بنیادم و رسیدن به اعلی علیین: "أنتم نعمتک بتقدیمک ایاہ امامنا حتی توردنا جنانک و مرافقة الشهداء من خلفائک".

19- تحقق رفعت و اوج گرفتن انسان تا اعلی علیین و نوشیدن از حوض رسول الله؛ دست با کفایت و الهی مهدی آل محمد6: " و اقبل الینا بوجهک الکریم و اقبل تقربنا الیک ... 6
بکأسه و بیده ... "

20- تجلی صفت رحمانیت خداوند متعال بطور کامل در زمین و غرق شدن در رحمت و اسعهی الهی: " یا ارحم الراحمین".

فصل چهارم

- 1- ارتباط کاروان حسینی با کاروان صالحین
- 2- بعد ملکوتی کربلا
- 3- ارتباط انبیاء، حسین و مهدی :

1- ارتباط کاروان حسینی با کاروان صالحین

دانستیم که حرکت همهی انبیاء و اولیاء الهی: یک حرکت واحد بوده و همگی به یک مقصد توجه داشته‌اند: ظهور دین حق در زمین و بر چیده شدن بساط ظلم و فساد از عالم و هدایت انسانها به سوی قرب الهی.

که این همان سیر مهدویت در طول تاریخ است.

حرکت امام حسین⁷ از آنجایی که حرکتی در جهت اصلاحطلبی بود در امتداد حرکت انبیاء: و همگام با کاروان صالحین میبایشد؛ ولی یک فرق اساسی با تمام آنها دارد و آن، اینکه هرگز از یادها نرفت.

زندگی صحنهی بازیگری انسانهاست ****

هر کسی نغمهی خود خواند و از صحنه رود

صحنه پیوسته به جاست

خرم آن نغمه که مردم بسیارند به یاد. ****

واقعیت این است که در دوران حکومت امویان، خصوصاً یزید بن معاویه ظلم و فساد و گمراهی به اوج خود رسیده بود و رفته رفته، نور الهی را به خاموشی میکشاند و زحمات انبیاء را نابود میساخت. حسین⁷ در دوران غلبهی ظلمت، یکباره بهپا خاست، و با حرکتی بینظیرش در تاریخ صحنهای اعجازآمیز آفرید که از سویی حرکات تمام انبیاء سلف: در آن دیده میشد و حسین⁷ به عنوان وارث تمام انبیاء خواستههای آنها را عینیت بخشید. " اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ... "

و از سوی دیگر، هر چه که تا دوران آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست نشان داد و وظیفهی بندگان خدا در برخورد با آن وقایع مشخص نمود؛ خصوصاً دوران آخر الزمان که ظلم و فساد به نهایت میرسد و مصداق "بِهَیْمَلِ الْأَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا کَمَا مَلَأْتِ ظُلْمًا وَ جَوْرًا" میبایشد را در عصر عاشورا به نمایش گذاشت.

حسین⁷ کاروان صالحین را که در حال فراموشی بود، دوباره به عرصه آورده و به نمایش گذاشت؛ نمایشی هر چند آمیخته با حوادث تلخ و جانگداز، اما در باطن بسیار زیبا، زیبایی که با بصیرت خاص زینبی دیده شد که فرمود: " مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِیلاً ".

حرکت حسین⁷ از آغاز تا انجام در نهایت جمال است چرا که نور الهی را تمام و کامل ساخت و کید شیاطین را بر باد فنا داد.

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ

)، لذا در زیارت حضرت آمده است:

" أَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَ لَنْ يُطْفَأَ أَبَدًا".

" اشهد انک حی لم تمت بل بحیاتک حییت قلوب شیعتک".

حسین 7 با حرکت خونین خود نقشی بر صحیفه دل آدمیان ترسیم نمود که تا پایان عمر دنیا از یادها نخواهد رفت، چرا که با اشک و آه قلوب انسانها عجین شده؛ قیامتی برپا نمود که هر ساله شور آن در عالم خلقت ولوله برپا کرده؛ دلها را دوباره به صحرای تقییدهی کربلا منتقل مینماید و گوش جان را از فریاد مظلومانهی قافله سالار کربلا پر میسازد که: " **هل من ناصر ینصرنی**".

فریاد حسین 7 فریاد همهی انبیاء و اولیاء و ائمه: است؛ فریادی در طلب رشد و کمال واقعی همهی انسانهاست. فریاد حسین 7، فریاد طلب مهدویت است. و لذا تاوان این خون تا قیامت بر گردن همهی انسانهاست که حسین 7 خود را فدای سعادت بشریت، تحقق دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه و حکومتی که انسانها را به رشد کامل برساند نمود. تا لذت بهشت را بچشند و منطق وارد شدن در بهشت قیامت را بیاموزند و در نهایت بتوانند از بهشت قیامت متلذذ شوند. **همینجاست** که حسین 7 در رجعت، بر خواهد گشت؛ و از جانب خداوند متعال یاری خواهد شد و حکومتی طولانی را در آن دوران بدست خواهد آورد. و به این حقیقت در دعای روز میلاد حضرت به طور واضح اشاره شده است.

2- بعد ملکوتی کربلا

عالم ذهن، عالم جمع است. همهی ما مطلب بسیاری از کودکی تا امروز خویش را یکباره به یاد میآوریم. همچنین است عالم خواب، که ما وقایع بسیاری را مثلاً در مدت یک دقیقه در خواب میبینیم.

حرکت امام حسین 7، شبیه رویاست. حرکتی ملکوتی است، زیرا تمام تاریخ حرکت کاروان صالحین از آدم 7 تا آخر الزمان را در بیست و سه روز جمع کرد و بهطور معجزه‌آسا در عالم خارج و نه در عالم خواب بدون باینکه کثرتی در کار باشد به نمایش گذاشت.

و این است معجزه‌هی امام عظیم، حسین بن علی 8.

3- ارتباط انبیاء، حسین و مهدی :

با توجه به مطالب گذشته، اکنون میگوییم: حسین 7 رابطهای دو جانبه و ملکوتی با یکایک انبیاء: از سویی و با دولت امام زمان 7 از سوی دیگر برقرار نموده است.

در واقع اگر بخواهیم خط سیر مهدویت را از هبوط آدم 7 تا ظهور مهدی 7 به کتابی تشبیه کنیم، میتوان چنین گفت که: حرکات انبیاء، فهرست این کتاب را تشکیل میدهد؛ که هر پیامبری به اقتضای شرایط خاص جامعهاش، فصلی از کتاب را فهرستبندی کرد.

و حسین 7 متن کتاب را در حرکت بیست و سه روزهی خود از مکه تا کربلا، رقم زد، آنگاه، در نهایت، تطبیق فهرست با متن در دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد. انبیاء، برای اینکه فهرست کتاب را به نگارش درآوردند، لاجرم باید از متن کتاب باخبر میشدند؛ و از آنجا که واقعهی کربلا، با عملکرد انسانها در آینده انجام میگرفت، انبیاء: ملکوت اعمال، قبل از وقوع واقعه، آنرا مشاهده کردند و در حرکت خود به سمت کاروان صالحین از آن بهره بردند.

بر همین اساس همهی انبیاء، همواره به کربلا توجه داشتهاند و در آنجا حاضر میشدند و در روایات به این جریان اشاره شده است؛ و همگی کربلا را نقشه و الگوی خود قرار داده و بر اساس آن مسیر را روشن نمودند؛ و در کشتی نجات حسین سوار شده و در حال حرکت به سوی ساحل نجات هستند؛ که ساحل نجات همان تحقق اهداف آنهاست.

در واقع کربلا، نقطهی عطف تاریخ بشریت است که هم گذشتگان از آن درس گرفتند، هم مایهی پند گرفتن آیندگان است و به مصداق " کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلاء " این ندا در آسمان دل شنیده میشود که: حسین پایانی ندارد.

و السلام علی من اتبع الهدی

پنجشنبه، سوم محرم الحرام 1331 هـ.